

حسین حقانی زنجانی

آثار کفر از دیدگاه قرآن

کفر، یک حالت نفسانی درونی بوده، در رابطه با نفی آفریدگار جهان در نفس انسان پدید می‌آید. آثار و نتایج منفی و زیان‌بخش بسیار زیادی را به دنبال خود دارد. و در قرآن واحادیث معتبر وارده از پیشوایان اسلام به این مسأله اهمیت فوق‌العاده داده شده و آثار کفر از جهات مختلف مورد بحث قرار گرفته است و ما در اینجا به توضیح برخی از آنها می‌پردازیم:

نتیجه کفر به خودشان برمی‌گردد

اولین مسأله قابل تذکر اینکه حالت کفر، نتیجه آن مستقیماً به خود انسان برمی‌گردد زیرا او است که با اختیار خود حالت سقوط و ضعف و انواع و اقسام بیماری‌های روانی را در نفس خویش پدید می‌آورد و اصولاً باید دانست که نتیجه اعمال انسانها اعم از خوب و بد و کفر و ایمان مستقیماً به خود انسانها برمی‌گردد:

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نُقْسِمُ بِمَنَّهُمْ

زیرا خداوند غنی بالذات بوده و در ذات خود تمام کمالات ممکن را دارد و از این جهت نقصی در ذات متعالی پروردگار وجود ندارد پس کفر و ایمان انسانها نمی‌تواند در ذات پروردگار و صفات و افعال او اثر مثبت یا منفی بگذارد.

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

۱- روم، ۶۴- فاطر، ۳۹

۲- لقمان، ۱۲- نمل، ۴۰- آل عمران، ۹۷

و ما به لقمان حکمت دادیم (به او گفتیم) شکر خدا را به جای آور هرکس شکرگذاری کند به سود خویش شکر کرده و آن کس که کفران کند (زیانی به خدا نمی‌رساند) چرا که خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

اصولاً کلمه کافر از ریشه کفر به معنای ستر یعنی پوشانیدن می‌آید و کافر کسی است که بین او و حق ستاری وجود دارد و این ستار را خداوند برای کافر ایجاد نکرده است، بلکه این ستار را خود انسان با سوء اختیار خود در نفس خود پدید آورده است و شاهد بر این گفتار این است که خداوند در باطن هر انسانی حجتی قرار داده است و حجت باطنی که تمیز دهنده حق از باطل و ملاک درک کلیات و حقائق است عقل او می‌باشد و لکن برخی از انسانها در اثر تبعیت از هواهای نفسانی جلو تعقل عقل را می‌گیرند و مانع از تأثیر حکم عقل می‌گردند و در نتیجه از راه حق منحرف و به خدا و پیامبرش کفر می‌ورزند و نتیجه مستقیم آن این است که خداوند حس تشخیص را از آنان سلب کرده و به تعبیر قرآن دل آنان را مهر می‌زند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

ای پیامبر همانا کافران خواه اینکه آنان را برترسانی یا ترسانی ایمان نمی‌آورند خداوند بر دلها و گوش و دیدگان آنان مهر زده و پوششی قرار داده است (که کلام حق را نمی‌یابند و نمی‌شنوند و نمی‌بینند) و برای آنان عذاب دردناکی است.

پس کافران در درک حقائق قدرت ندارند و این به این معنی نیست که خداوند آنان را مجبور بر باقی ماندن درحالت کفر کرده است و گرنه عذاب کافران معنای محصلی پیدا نمی‌کرد، بلکه به این معنا است که نظام قوانینی جهان آفرینش بر این اصل استوار است که در اثر انکار آفریدگار جهان وانکار پیامبران، کم‌کم حالت مخصوصی در دل و جان آنها پیدا می‌شود و سبب این می‌شود که حس تشخیص حق از وجودشان رخت برمی‌بندد و اینکه در آیات بالا تصریح می‌کند که خداوند بر دل و گوش و چشم آنان مهر می‌زند برای این است که طریق دریافت حق اینها هستند.

شاهد گفتار بالا، آیات متعددی از آیات قرآن است از جمله آیه ۲۳ سوره جاثیه
**أَفَرَأَيْتَ الَّتِي اتَّخَذَتْ إِلَهًا هَوَاهُ وَأَهْلًا لِلَّهِ عَلَىٰ جِلْمٍ وَحَتَمَ عَلَىٰ سُنْبُعِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصِيرِهِ
 غِشَاوَةً.**

آیا مشاهده کردی کسی را که خدای خویش را هواهای نفسانی و خواهشهای دل خود قرار
 داده؟ لذا گمراه گردید و خدا مهر بر گوش و دل او نهاد و برده بر چشم او افکند.

و در سوره مؤمن صریحاً می فرماید: آنان که در آیات خداوند بدون دلیل جدال می کنند
 خداوند بر قلب آنان مهر می زند و این کیفری است که برای هر فرد متکبر و جباری تعیین شده است.
 چنانکه می بینید سلب حس تشخیص در آیات فوق به واسطه انتخاب آنان،
 خواهش های نفسانی، کفر ورزیدن به واسطه لجاجت و جدال در برابر حق و تکبر و ستم
 و ... می باشد و در واقع ختم و مهرزدن بر قلب، نتیجه اعمال خود آنان است.

و این یک عمل طبیعی است همانطور که اگر انسان در توحید و معرفت خداوند و
 راه حق کوشا باشد رستگاری و ظفر و پیروزی برای او حتمی است مثل این آیه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا.

ای مؤمنان اگر تقوا پیشه سازید خداوند اسباب تشخیص حق از باطل را در دل شما قرار
 می دهد!

از اینرو کافران به سوی حق راه نمی یابند و هدایتی از سوی خداوند برای آنان
 انجام نمی گیرد زیرا طبیعی است کسی که خداوند را انکار کند از جاده حق و حقیقت دور
 افتاده، نباید امید رحمت و مغفرت از او داشته باشد و چنین کسی جزو بدکاران بوده، از
 دیدگاه قرآن، فاسق محسوب می گردد.

مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؟

کسانی که بعد از اینهمه دلائل بر اثبات صانع به او کفر ورزند پس اینان فاسقان و بدکاران
 هستند.

۱ - انفال، ۲۹، سوره هشتم.

۲ - نور، ۵۵

دیدگاه کفار نسبت به مؤمنین

کافران نسبت به مؤمنین با دید دشمن نگاه می‌کنند و این دو هرگز با یکدیگر سازش ندارند چون در دو محور مخالف و متضاد قرار گرفته‌اند و طبیعی است کسی که خالق خود را انکار می‌کند چگونه می‌تواند با کسانی که به یک مبدأ آفریننده جهان معتقد هستند و همه افعال و افکار و حتی خطورات ذهنی خود را بر این اساس تنظیم می‌کنند، با یکدیگر سازش داشته باشند و یک سو حرکت کنند و یک نوع فکر کنند.

قرآن یکی از ویژگیهای کفار را در رابطه با مؤمنین چنین نقل می‌کند:

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ سَمِيرٍ مِنْ رَبِّكُمْ.

کافران از اهل کتاب و مشرکین هرگز دوست ندارند که خیری برای شما مؤمنان از ناحیه پروردگارشان نازل شود.

ونه تنها کفار چنین طرز فکری در رابطه با مؤمنین دارند، بلکه مؤمنان را همواره مورد استهزاء و تمسخر قرار می‌دهند.

زَيْنٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا..

زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده و اینان مؤمنان را مورد استهزاء قرار می‌دهند.

زینت دنیا و زندگی زودگذر آن به صورت یک عامل گمراه کننده قوی درآمده نه تنها کافران را از تنبّه به عواقب حالت کفرآمیز نفسانی باز می‌دارد، بلکه موجب می‌شود که اینان مؤمنان را نیز مورد استهزاء قرار دهند و قرآن از عمل زینت ظاهری دنیا برای کافران به عنوان یک مکر و حيله و نیرنگ برای کافران تعبیر می‌آورد.

بَلْ زَيْنٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصَدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَ مَنْ يَضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ.

بلکه در نظر کافران، دروغهایشان زینت داده شده (ویراثر ناپاکی درون چنین می‌پندارند که واقعیتی دارد) و آنها از راه خدا باز داشته شده‌اند و هر کس را که خدا گمراه کند، راهنمایی نخواهند داشت.

در این آیه سه ویژگی کفار را یکجا بیان می‌کند:

اول: اینکه مکر و نیرنگ آنان بر کفار زینت داده شده.

دوم: اینکه از جاده حق و حقیقت دور افتاده‌اند.

سوم: اینکه راه هدایت بر آنان مسدود گشته دیگر راه نجات ندارند و به بن بست واقعی رسیده‌اند و لذا روحيات آسیب پذیری داشته همواره در معرض رعب و وحشت و نگرانی همه جانبه قرار دارند لذا خداوند در مقام دلجوئی از مؤمنین به آنان خبر می‌دهد که در آینده نزدیکی رعب و وحشت را در دل کافران می‌اندازد:

سَتَلْقَى فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا لِلَّهِ

به زودی رعب و وحشت را در دل کافران در مقابل عمل شرکشان می‌اندازیم.

نکته دقیق قابل ذکر در این آیه این است که ایجاد رعب در دل کافران در اثر کفر و حالت روانی شرک به خداوند پدید آمده است نه اینکه خداوند ستم و ظلمی درباره آنها روا داشته است بلکه خود اینان هستند که با اختیار خود، چنین وضعیت روحی را برای خود ایجاد کرده‌اند!

کفر و عذاب الهی

یکی دیگر از آثار کفر، عذاب دنیوی و عقاب اخروی است که در انتظار کفار می‌باشد. قرآن در آیات متعددی به نتیجه اعمال کفار و پاداش دنیوی و اخروی آنان تصریح دارد مثلاً در سوره ابراهیم آیه ۷ می‌فرماید:

وَلَنُيَسِّرَنَّ كَفْرَهُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ: اگر کافر شدید البته عذاب من بر کفار شدید است.

و در سوره آل عمران، آیه ۱۲ خطاب به پیامبر می‌فرماید:

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتْغَلِبُونَ وَتُخْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ:

بگو ای پیامبر بر کافران که به زودی مغلوب شده به جهنم داخل خواهید شد.

و نیز در همان سوره آیه ۴ می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

همانا برای کافران به آیات و نشانه‌های خداوند، عذاب دردناکی خواهد بود.

و آیه: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُضَلِّيهِمْ نَارًا.

همانا کسانی که به آیات و نشانه‌های او کفر می‌ورزند ما آنان را به زودی به آتش جهنم می‌اندازیم.

و نیز آیه: **وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ.**

کسانی که کافر شدند و آیات و نشانه‌های ما را تکذیب کردند اینان یاران آتش جهنم می‌باشند.

این آیات مربوط به عذاب الهی در روز قیامت است اما در سوره آل عمران آیه ۵۶ هم وعده عذاب را در دنیا و هم در آخرت به کفار می‌دهد و چنین می‌فرماید:

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدَبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

اما کافران را هم در دنیا و هم در آخرت عذاب شدیدی خواهم کرد.

در این آیه تنها وعده عذاب شدید در دنیا و آخرت می‌دهد اما کیفیت عذاب و چگونگی آن را مسکوت می‌گذارد و لکن در آیه دیگری توضیح بیشتری از کیفیت عذاب الهی در روز قیامت می‌دهد:

فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ..

اما آنها که چهره‌هایشان سیاه شده (به آنان گفته می‌شود) آیا بعد از ایمان (واخوت و برادری در سایه آن) کافر شدید؟ پس (اکنون) بچشید عذاب را در برابر آنچه کفر ورزیدید.

آری روسیاهی، مخصوص کسانی است که بعد از ایمان آوردن دوباره کافر شدند و بعد از نجات دوباره در وادی کفر افتادند، توبه اینان دیگر قابل قبول نیست زیرا دیگر قابل اصلاح نیستند اینان به منزله علف هرزه‌ای می‌مانند که باید کنده شوند!! چنانکه قرآن در سوره آل عمران آیه ۹۰ می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزَادُوا كُفْرًا لَنْ نُقَبِّلَ تَوْبَتِهِمْ.

کسانی که بعد از ایمان آوردن کافر شدند و بر کفر خود افزودند (و در این راه اصرار ورزیدند) هیچگاه توبه آنان قبول نمی‌شود و آنها گمراهان واقعی هستند.

راستی عقلاً اینان چگونه می‌توانند (با اینکه با اختیار خود در وادی گناه و کفر و شقاوت افتاده‌اند) راه هدایت را پیدا کنند؟

و طبیعی است که هدایت خداوند شامل حال اینان نمی‌گردد:

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ.

خداوند چگونه هدایت می‌کند قوم کفار را بعد از ایمانشان (آل عمران، ۸۶).
 ویدیهی است که اموال و اولاد و انواع نعمتهای دیگر که خداوند برای اتمام
 حجت در دنیا در اختیار آنان گذارده در رفع عذاب و یا در تخفیف آن تأثیری نخواهد
 داشت چنانکه قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۱۶ می‌فرماید:
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ.
 همانا ثروتهای کافران و نیز اولاد و فرزندان اینان آنها را بی‌نیاز نخواهد کرد ازاینکه عذاب
 الهی بر آنان متوجه شود.

کفر و حبط اعمال

یکی دیگر از آثار کفر حبط اعمال و باطل بودن سایر اعمال نیک کافران می‌باشد
 اصولاً کفر چنین خاصیتی دارد قرآن مجید در سوره کف آیه ۱۰۵ و ۱۰۶ در این مورد
 چنین می‌فرماید:

**أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا
 ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا.**

اینان کسانی هستند که آیات و نشانه‌های خداوند و لقای او را در روز قیامت انکار کرده و به
 آن کافر شدند و در نتیجه، اعمال خیر آنان نیز حبط و نابود گشت و لذا در روز قیامت میزانی برای آنان
 برپا نخواهیم کرد زیرا محور قبولی همه اعمال نیک، پذیرش آفریدگار جهان است چون او سرچشمه
 نیکیها است، کسی که منشأ و سرچشمه نیکیها را قبول ندارد چگونه می‌تواند به اصل نیکیها و اثرات
 آن معتقد بوده و برای او نتیجه‌بخش باشد!

عبید بن زراره از امام صادق (ع) از معنا و تفسیر آیه مبارکه: **وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ
 حَبِطَ عَمَلُهُ سَوَاءً** سؤال کرد و در پاسخ آن فرمود: کسی که عمل عبادی نماز را بدون جهت
 مرضی و نه به جهت مانعی که او را از انجام عمل نماز باز می‌دارد آن را ترک کند، او کافر
 بوده و اعمال و دیگر نیک او بدون اثر بوده حبط می‌گردد!